

لحظه ها و نگاه ها در شعر کسایی مروزی

أ.م.د. مدین عبدالعزیز رشید

دانشکده زبان- دانشگاه بغداد

کلید واژه : فارسی. کسایی مروزی، اشعار او

چکیده:

نوع اشعار و تحلیل های ادبیاتی از مهمترین دلایل شناسایی ارزشمندی شعر شاعران است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل شعر لحظه ها و نگاه ها در شعر کسایی مروزی مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل ها به روش استقرایی و با تمرکز بر اشعار منتخب کسایی بود. بررسی های پژوهش حاضر نشان می دهد که طبیعت از بارزترین مؤلفه های شعر فارسی اشعار کسایی است؛ پژوهش های محققان اشعار قرن چهارم را شعر طبیعت خوانده اند زیرا شاعران بیشترین الهام را از طبیعت داشته اند و اشعار کسایی از این ویژگی جدا نیست. از آن جایی که این نوع شعر آفاقی و برون گراست؛ کسایی سعی در نسخه برداری از طبیعت و عناصر دنیای بیرون میکند. بررسی ها نشان میدهد که حالت های عاطفی با تأملی ذهنی را در توصیفهای اشعار کسایی کمتر به کاررفته است. در اشعار کسایی مروزی نمودهای توصیف در وصف جاندار و بی جان مشاهده می گردد با مطالعه و بررسی اشعار، میتوان دریافت که شاعر از تبحر خاصی در چگونگی نمود وقایع طبیعی در وصف هریک از پدیده های طبیعت دارد. بررسی های این پژوهش نشان داد که وصف گلها و گیاهان در اشعار کسایی مروزی نمود بیشتری دارد. تشبیهات کسایی از عناصر طبیعت بیشتر در قالب مشبه اخذ هستند همچنین وی از اوصاف انسانی بیشترین مشبه شاعر را دارد. بررسی های نشان می دهد که اجرام آسمانی، حیوانات، اشیاء و مفاهیم مجرد هر کدام به ترتیب در مشبه تشبیهات اشعار کسایی جلوه خاصی دارند. از نظر ساختار شکلی تشبیه انواع مختلف ساختار تشبیه در شعر کسایی به کاررفته است. در تشبیهات شاعر، گرایش شاعر به تشبیه تمام ارکان (کامل) و مرکب وجود دارد. بررسی تشبیه در آثار شاعر نشان می دهد که کسایی شاعری تصویرگر و تشبیه ساز در زمینه تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که

شاعر از تشبیه بلیغ و مرسل، بسوی خیال انگیزی و پیچده کردن زبان شعر بسیار بهره گرفته است.

مقدمه:

قرن چهارم و اوایل قرن پنج هجری و دوران وزارت وزیران دانشمند عهد سامانی عصر آزادی اندیشه و از درخشان ترین ادوار تاریخ ایران است و چون عهد آنان به سر آمد روزگار تیز دیگر شد و سامان و تهاد جهان چنان که کسای مروزی گفته است، دگرگون گردید (شریفی گلپایگانی، 1376). کسای که در واپسین روزهای قدرت سامانیان می زیست و دوران حیات او مصادف با افول ستاره ی این خاندان بود با وجود اینکه دوران درخشش حکومت سامانیان را درک نکرده بود پس از روی کار آمدن غزنویان و سقوط سامانیان با مقایسه ی اوضاع روزگار در زمان حکومت این دو سلسله می گوید:

به وقت دولت سامانیان و بلعیمان

چنین نبود جهان با نهاد و سامان بود (کسای، ۱۳۸۰: ۷۸)

این بیت بازمانده از کسای مروزی که بازتاب یک پندار، شاعرانه بلکه گزارش واقع گرایانه ای از بی سامانی جهان پس از سپری شدن دولت سامانیان و بلعیمان است (شعر دوست و سلیمانی، ۱۳۷۸: ۴۸۸) از اوایل قرن پنجم بر اثر تسلط ترکان و پیشرفت اشاعره و اهل حدیث و مجسمه و مشبه بازار تعصب در ممالک اسلامی رواج گرفت و ضدیت با متفکران و اصل علم و خاصه با فلسفه و علوم اثباتی آغاز شد (شمیسا، 1377) در نتیجه ی این ضدیت ضربات عظیمی بر پیکر علوم عقلی و نظری وارد گردید و کار به سوزاندن کتب علمی و ریاضی و تحریم علوم نظری و تکفیر علما کشید. از فجایع اسفناک قرن پنج و شش خاصه قرن ششم قتل عده ای از متفکران و فلاسفه بود که عقاید جدید می آوردند و به وجهی به زندقه و کفر متهم میشدند و از آن جمله است شهاب الدین سهروردی فیلسوف بزرگ معروف به شیخ اشراق که به جرم گمراه ساختن مردم به وضعی فجیع کشته شد (صفا، ۱۳۷۶: ۱۷۱-۱۷۴).

حکیم ابوالحسن مجدالدین اسحاق کسای مروزی از شعرای گرانمایه ی قرن چهارم و اوایل قرن پنجم و از بزرگان زبان پارسی بود وی در سال ۳۴۱ هـ به دنیا آمد تذکره نویسان زادگاه او را مرو نوشته اند این سرزمین از مراکز عمده ی مخالفت با اعراب بنی امیه و بنی عباس بوده و پایگاه مناسبی برای تمایل به تشیع به شمار میآمده است. کسای در چنین محیط فرهنگی و شیعه پروری که اکثر مسلمانان آنجا مذهب شیعه دوازده امامی



داشته اند پرورش یافته است و طبعاً او تیز مذهب شیعه را برگزیده است. کسای عمری طولاتی داشته و دوران شاعریش با اواخر عهد سامانیان و اوایل کار غزنویان همزمان بوده است او را پیرو رودکی و پیشرو ناصر خسرو خوانده اند. زرین کوب، (1363) زیرا دوران کودکی را در زادگاهش مرو همچون سایر همشهریانش با سرودهای رودکی ماتوس بوده و بعدها در زمان شاعری خود بسیاری از قصایدش را در استقبال از قصاید رودکی سروده و در یکی از اشعارش وی را استاد شاعران جهان لقب داده است (جرجانی، 1374). کسای در آغاز کار، شاعری مداح بوده است. و در اولین قصاید خود به مدح سلاطین سامانی و خلفای عباسی و حتی سلطان محمود غزنوی پرداخته است ولی اواخر عمر از این کار پشیمان شده و راه پارسایی و زهد را در پیش گرفته و به تعت علی (ع) و مناقب اهل بیت نبوت همه گماشته است (شفیعی کدکنی، 1382). دیوان اشعار کسای بتا به گفته ی عبدالجلیل رازی مؤلف کتاب «النقض» تا تیمی قرن ششم موجود و معروف بوده است. ولی متأسفانه به تدریج از بین رفته و فقط اشعار اندکی از آن در تذکره ها و کتب لغت و ادب ذکر شده و به دست ما رسیده است که در همین ابیات پراکنده و عذوبت کلام و رفت خیال و حسن بلاغت و براعت طبع او را میتوان دید (دزفولیان، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰)

سبک شعر کسای

از اشعار اندکی که از کسای باقیمانده است میتوان دانست که او از قصیده سرایان مقتدر زمان خود بوده است. از نظر صورخیال و انواع تصویر بویژه در زمینه ی طبیعت شعر کسای بهترین شعری است که از گویندگان قرن چهارم در دست است (فتوحی، 1386) و میتوان گفت که طریقه ی کسای در تشبیه و تغزل سرمشق شعرای بعد از خود بوده است در موعظه و حکمت هم وی نخستین شاعری است که توانست به مراحل مهمی از پیشرفت نایل گردد و در حقیقت این نوع از شعر را در اواخر قرن چهارم به کمال رساند و مقدمه ی ظهور شاعران بزرگی چون ناصر خسرو قبادیانی گردید (تجربه کار، ۱۳۷۳: ۴۶)

کسای در عین سخنوری دارای عقیده ای راسخ و ایمانی استوار است. وی شیعی پاکدامنی است. در بیان مدح و منقبت پیامبر و خاندان او با خلوصی که دارد از غلو و گزافه گویی پرهیز می کند. (حیدری، 1392)

اشعار باقی مانده از کسای و تفاوت میان تغزلات و توصیفات سروده شده در ایام جوانی و قصاید محکم و باصلابت که حاصل ایام پختگی وی است (مقدم زاده و اشرف،

1376) آشکارا نشان میدهد که زندگی وی به دو دوره تقسیم میشود که در ایام نخستین شوری دیگر در سر داشت و گهگاه مدح آل سامان حتی محمود را میگفت و سپس تحولی عمیق در روح او بوجود آمد که به مدح منقبت پیغمبر و خاندان او روی آورد.

جوانی رفت و پنداری بخواهد کرد پرهودن

یخواهم سوختن دامنم که هم آنجا بپیمودم (کسای، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

به مدحت کردن مخلوق روح خویش بشخودم

نکوهش را سزاوارم که جز مخلوق نستودم (همان: ۱۵۲)

«قصیده مذهبی کسای در سوگ شهیدان کربلا نخستین سوغنامه ی مذهبی در شعر فارسی است و از این روی ارزش و اهمیت بسیاری دارد» (قیاضی، ۱۳۸۰: ۳۷).

میراث مصطفی را فرزند مرتضی را

مقتول کربلا را تازه کنم تولا (همان: ۳۰)

آن نازش محمد پیغمبر

آن سید ممجد شمع و چراغ دنیا (همان: ۳۱)

«قصاید مذهبی کسای از محتوای دینی آنها که بگذریم از نظر برداشتن نکته های مهمی از وضع فکری و اجتماعی قرن چهارم، خراسان و به عنوان نمونه ای از روش بحث و تبلیغ شیعیان آن، قرن اهمیت کم نظیری دارد» (همان، ۳۵)

پیشینه پژوهش

در باب اشعار کسای به لحاظ فنی و گونه های صورخیال به شکل مستقل، در طی سالهای اخیر پژوهشی انجام نشده است و تحقیقات صورت گرفته هیچکدام بطور کلی درباره مهارت کسای در تصاویر بیانی و تبیین گونه ای از گونه های تخیلی نپرداخته اند بنابراین آثار بچاپ رسیده از سوی پژوهشگران درباره این شاعر را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول آثاری است که به بررسی و احوال، افکار، آثار و شرح اشعار کسای پرداخته است؛ از جمله تاریخ ادبیات در ایران اثر ذبیح الله صفا (۱۳۶۳) کسای مروزی و تحقیق در زندگانی و آثار او تألیف مهدی درخشان (۱۳۷۵) لباب الالباب اثر عوفی (۱۳۸۹) گزینه اشعار کسای تألیف جعفر شعار (۱۳۷۰) کسای مروزی زندگی و شعر، تألیف محمد امین ریاحی دسته دوم آثاری است که در زمینه علوم بلاغی و درباره سبک شعر شاعر نوشته شده است. از جمله صور خیال در شعر فارسی اثر شفیع کدکنی (۱۳۸۲) سبک شناسی شعر اثر محبوب (۱۳۷۵) کسای مروزی و شعر و زندگی او تألیف نصرالله امامی در این

دسته از آثار، یا مبحثی از مباحث کتاب به کسای اختصاص یافته و یا خود اثر به صورت کامل به شاعر شعرش پرداخته است. تعداد مقالاتی که به صورت پراکنده به زندگی و شعر کسای پرداخته اند نیز بچاپ است ولی هیچکدام به صورت گسترده به تصاویر شعری کسای توجه نداشته اند. همچنین مقاله ای تحت عنوان پژوهشی در سرچشمه های علم «بیان (۱۳۹۲) به چاپ رسیده که نویسنده آن تنها به بررسی صورخیال تعدادی از شاعران همعصر کسای پرداخته، بطوریکه تصاویر شعری کسای را در برنمیگیرد. بنابراین در باب اشعار کسای به لحاظ تصویرهای بیانی بویژه استفاده از تشبیهات بدیع، آن هم بصورت گسترده و ساختار این تشبیهات به شکل مستقل پژوهشی صورت نگرفته است. نگارنده ترغیب شد تا بار دیگر اشعار وی را از دیوان مصحح درخشان و از دیدگاه صوربیانی بررسی و تحلیل کند.

شیوه پژوهش

شیوه این پژوهش در ابتدا مطالعه دقیق دیوان اشعار، کسای و سپس استخراج همه تشبیهات شاعر بر اساس نسخه های موجود بود. بطوری که بیش از دویست فیش در نتیجه این بازیافت و استخراج دقیق حاصل آمد که در این پژوهش شش حکایت انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سپس با بررسی نظری صور خیال به دسته بندی فیشهای مربوط پرداخته و تقسیم بندی منظمی از لحاظ موضوعی ساختار شکلی، تشبیهات حسی عقلی و انتزاعی بودن طرفین تشبیه فشرده و گسترده بودن، تشبیهات مفرد و مرکب بودن آنها وجه شبه و ادات تشبیه به عمل آورده است. سپس نمونه هایی برجسته از دیوان اشعار شاعر انتخاب شده بعنوان شاهد مثال به کار رفته است.

تحلیل حکایتها

جنازه دوست

در حالت وصف، شاعر همسویی کمرنگ و ناچیزی با شیء دارد. ضعیف ترین پیوند میان ذات شاعر و شیء در این حالت است. من شاعر و شیء، جدا از یکدیگرند. در این چنین، ذهن در حالتی انفعالی مثل آینه صورت شیء را بدون تصرف خیال منعکس میکند؛ یعنی با تصرف در شیء بیرونی امر تازه یا شکل بدیعی ابداع نمیکند، بلکه همان چیزی را تصویر میکند که در بیرون هست. در این اثر، همان چیزی به تصویر کشیده شده است که در ذهن کسای است؛ گریه شدید به طوفان نوح تلمیح شده است.

بن مایه ی اصلی اشعار کسایی در زمینه غزل، عشق و عاشقی است؛ این معشوق سنگ صبور است که در مقابل شاعر قرار می گیرد و شاعر دردها و آرزوهای خود را در ابیات پراکنده های خطاب به او بیان می کند. البته گاه این معشوق حقیقت است (غزل عارفانه) که ازین قسم در اشعار سایر شاعران اسوه کسایی به صراحت چیزی نیامده است و گاه ممدوح است؛ (غزل مدحی در وصف امیر)، از این قسم نیز ابیات بسیار معدودی در تغزلات کسایی به چشم می خورد؛ لیکن در تغزلات بحتی فراوان است. گاه معشوق زنی یا نوحی است (غزل عاشقانه) که معشوق اشعار کسایی اغلب ازین دست است (چرمگی عمران، 1392؛ 67).

جنازه ی تو ندانم کدام حادثه بود
که دیده ها همه مصقول کرد و رخ مجروح
از آب دیده چو طوفان نوح شد همه مرو
جنازه ی تو بر آن آب همچو کشتی نوح
وزن: مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن (مجتث مثنی مخبون محذوف)

امیر پادشاه

در تشبیهات کسایی که به دقت و لطافت ممتاز بود اندکی آثار تکلف دیده می شود که از توجه گوینده به زیبایی فکر و بیان حکایت داشت اما این مایه تکلف و صنعت چندان نبود که شعر را از وصف سادگی و طبیعی بودن بیرون کند. این سادگی و بیتکلفی در همه فنون شعر از مدح و هجا و تشبیب و رثا و غیره بین شعرا رایج بود. در تشبیب و تغزل این سادگی و بیتکلفی بیشتر مشهود بود. احوال عشق و عاشقی را شاعر بی روی و ریا و صادقانه وص می کرد و در بیان این احوال جز از دل خویش الهام نمی گرفت. این امر در شعر مرگ امیر خود را بیشتر نمایان می کند.

حوزه ی معنوی دیگر شعر پارسی در قرنهای اولیه که زمینه عام و رکن اصلی در گسترش شعر و گرمی بازار شاعری است مدح، است در ادب عربی هم در دوره های اموی و عباسی مدح در شعر عربی رواج چشمگیری پیدا کرد در عصر سامانیان و سپس غزنویان بازار مدح و ستایش شاهان و وزیران و امیران در ادبیات فارسی گرم بود. ع. م. دود پوتا در کتاب تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی همانندیهای مدح و ستایش شاعران فارسی گوی و شاعران عربی سرای را بیان کرده است (محمدی ۱۳۸۹: ۱۸۱) خلفای عباسی دوست داشتند هنگامی که مدح میشوند به شاهان ساسانی مانند شوند. این رویه در اثر آشنایی



بیشتر اعراب با فرهنگ و تاریخ و تمدن ایران حاصل شده بود. خلفای عباسی به شدت تلاش میکردند از سنتهای حکومتی ایران باستان تبعیت کنند لذا دوست داشتند که به چهره های برجسته و شاخص آن مانند شوند (همان: ۱۸۱)

از نظر تصور خیال در این قلمرو آنچه به مدح و ستایش میانجامد و در کار مدح بیشتر مورد توجه شاعران است اغراق و مبالغه است در قصاید مدحی هر شعر غالباً با تشبیب یا نسبی به اصطلاح پیشینیان - در حقیقت با نگرشی به طبیعت یا نگاهی به عالم عشق - آغاز میشود. آنچه در این قسمت بیشتر مورد توجه شاعران است تصویرهایی است که از تشبیه در مورد (وصفهای طبیعت) یا استعاره (در مورد گزارش عشق و عاشقی تشکیل میشود و به هنگام گریز به مدح عنصر اغراق و مبالغه جایگزین تشبیه و استعاره میشود شفیی کدکنی، ۱۳۷۲: ۳۸۹)

ستایشگری یکی از قدیمترین معانی شعری در ادبیات فارسی است و این امر در قصاید مدحیهی دوره ی سامانی به خوبی مشهود است تشبیه دست ممدوح به دریا و رایت او به ابر طوفان بار، از جمله معمول ترین وصفها در دوره سامانی است از میان ممدوحان صاحب نام ،رودکی نصرین احمد سامانی منزلتی خاص داشته و براساس شواهد قوی در غالب مواردی که نام امیر در اشعارش به کار می رفته است، مراد اوست.

آن کس که بر امیر در مرگ باز کرد

بر خویشتن نگر نتواند فراز کرد

وزن: مفاعلهن فعلاطن مفاعلهن فعلن (مجتث مثنی مخبون محذوف)

شکفتن لاله

در این دوره از آنجا که دوره طبیعت و اوصاف طبیعت است، تصاویر مربوط به گل ها و باغها بیشتر از دیگر تصاویر رواج دارد و از مقایسه شعرهای وی، مشابهت هایی بسیار در نوع تشبیهات ایشان در زمینه ی گ ها به چشم میخورد گل ها در توصیفات کسای جایگاه خاصی دارند. جلوه های دقیق رنگ، جنبهی دیگری از توصیف های کسای را در برمی گیرد. توجه کسای به رنگ تا آنجاست که غالباً عنصر رنگ در تشبیهات او بر جنبه های هندسی غلبه دارد، چنان که پنداری شاعر در برخورد با طبیعت پیرامون خویش، بیش از هر چیز، مجذوب رنگ شده است (امامی، ۱۳۷۴: ۲۶)

شکفت لاله ، تو زیغال بشکفان که همی

ز پیش لاله به کف بر نهاده به زیغال

وزن: مفاعلن فعالاتن مفاعلن فعلن (مجتث مثنى مخبون محذوف)

پیری

انسان و اوصاف انسانی بیشترین کاربرد را در اشعار کسایی دارد. در قالب مشبه کسایی از موضوعات متعدد مرتبط با انسان بعنوان مشبه استفاده کرده است که عبارتند از انسان هیأت ظاهری و حالات ، انسانی، توصیف پیری، دیده، اشک، توصیف موی و ... از مضامین مورد علاقه شاعر بوده است. بخش اعظمی از این نوع مشبه بر «جمال شناسی مؤنث (بلاغت ، تصویر فتوحی ۱۰۵) و زیبایی جسم متمرکز است. مشبه هایی مانند معشوق مشبه برای ماه زلف مشته برای شب چشم مشبه برای شب، پشت دست مشبه برای قاقم، عارض معشوق مشبه برای گل زلف معقرب مشبه برای عقرب و ... بسامد این نوع مشبه در تشبیهات کسایی ۵۴ مورد با ۳۰،۱۶ درصد از کل تشبیهات کسایی است:

پیری مرا به زرگری افگند ، ای شگفت

بی گاه دود ، زردم و همواره سُرف سُرف

زرگ فرو فشاند کُرف سیه به سیم

من باز برفشانم سیم سره به کُرف

وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (مضارع مثنى اخرب مکفوف محذوف)

برف

شعر کسایی از جهت دقت و لطافتی که در وصف و تشبیه به کار برده است؛ مزیتی دارد. قدرت ابداع او در آوردن بعضی تشبیهات که در آنها طرفین موهوم یا معقول است و یا جامع قریب و مبتدل نیست آشکار میگردد و پیداست که او در مقام ابداع یا تعبیر مضامین خیال اکثفا به صور محسوس حاضر در ذهن نکرده است بلکه به استحضار صور غایب نیز پرداخته است، مثلاً ابر را به طیلسان راهب تشبیه می کند و برف را به چلیپایی ازبند، مراعات النظیر و تشبیهات وهمی و عقلی در شعر او بسیار است که در آنها غایت استادی را به خرج داده است. و از اینجا آشکار میگردد که در ایجاد مضمون و تعبیر آن به غور و تأمل عادت داشته است و این تا اندازه ای جهت امتیاز او از اکثر گویندگان آن عصر به شمار میآید در تغزل و تشبیب نیز احوال و هیجانات عشق و عاشقی را در نهایت سادگی اما به غایت بدیع و لطیف سروده است و غزلهای او از جهت اشتغال بر احوال و عواطف واقعی لطفی خاص دارد؛ اما چنان که پیداست در اواخر عمر به زهد و توبه گراییده است و از وصف رخ چون گل و زلفک عنبرین نیکوان تن فرو زده است و حتی از این که چندی از عمر



را در مدح مخلوق گذرانیده است و از هر سوی به دربار پادشاهان رفته است نادم بوده است و شاید ذوق توبه او را به زهد و انزوا کشانیده است و از درگاه حکام و ملوک عصر دور داشته باشد و اگر در این گونه سخنانش که نمونه های آن در لغت فرس اسدی آمده است صادق باشد میتوان پنداشت که چون در دنبال توبه و انزوا نام او دیگر در ضمن مداحان و ستایشگران درگاه پادشاهان عصر دیده نشده است، از احوال او مخصوصاً در پایان عمر اطلاع درستی در دست نیست کسانی مانند اکثر شعرای عصر سامانی در شعر به اسلوب رودکی نظر داشته است و هرچند خود او مبدع طرزی خاص به شمار تواند آمد لیکن به هر حال مسلم است که رودکی را به دیده ی حرمت و تکریم میدیده است و او را «استاد شاعران جهان» می خوانده است (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۸۷)

بنفشه زار بیوشید روزگار به برف
درونه گشت چنار و زیر شد شنگرف
که برف از ابر فرود آید ، ای عجب ، هر سال
از ابر من به چه معنی همی بر آید برف ؟
از این زمانه جافی و گردش شب و روز
شگرف گشت صبور و صبور گشت شگرف
گذشت دور جوانی و ، عهد نامه او
سپید شد که نه خطش سیاه ماند ، نه حرف
غلاف و طرف رخم مشک بود و غالیه بود
کنون شمامه کافور شد غلاف و طرف
ایا کسای! کن از پای، بند ژرف چنین
که بر طریق تو چاهی است سخت و محکم و ژرف
وزن: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن (مجث مثنی مخبون محذوف)

باران

باران و رعدوبرق مظهري از مظاهر طبیعت است که کسانی بسیار از آن استفاده کرده و در برابر چشمان او منظره ی عجیبی را به وجود میآورد و آن را تا زمانی که در وجودش مورد پسند قرار نگرفته و تأثیر عمیقی، نگذاشته در شعرش وارد نمی کرد و درخشش برق باعث جذب حواس میشد و به دلیل این که بشارت دهنده ی باران بود آن را دوست میداشتند». در اغلب تشبیهات، کسانی تشبیه از نوع محسوس به محسوس است



شاعر باران را به اشک چشم معشوق تشبیه کرده است. درخشش قطرات باران نیز به مروارید تشبیه شده است.

بر پیلگوش قطره باران نگاه کن

چون اشک چشم عاشق گریان همی شده

گوی که پَر باز سپید است برگ او

منقار باز ، لؤلؤ ناسفته بر چده

وزن: مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فععلن (مجتث مثنی مخبون محذوف)

نتیجه گیری

وصف، یکی از موضوعات شعری قرن سوم تا پنجم هجری است و از این جهت، یکی از غنی ترین دوره هاست. شعر فارسی در سدهی چهارم هجری شعری آفاقی و برون گراست و شاعر در مواجهه با طبیعت و دنیای عین همچون نقاشی، تزیین تمام همت خود را مصروف تجشم آن می سازد. در عصر سامانی توصیف جایگاهی والا دارد توصیفهای عینی و تشبیهات محسوس به محسوس در شعر این دوره مایه های انکار ناپذیر تثبیت عینیت گرایی شاعران این روزگار است. از مجموع مطالبی که در این پژوهش بررسی شد میتوان نتیجه گرفت که با مطالعه در اشعار کسایی مروزی این گونه به نظر میرسد که شاعر در حوزه ی وصاف، چیره دست و استاد بود.

شعر کسایی، بازتاب تفکرها و نگرشهای انسانها در قرن چهارم است و از سادگی و روانی برخوردار است. اندیشه ها در شعری به زبانی ساده و روان دور از صورتهای خیالی پیچیده و لایه های تودرتو بیان شده است و این امر بیانگر گرایش شاعر به امور ملموس و محسوس و تجربی است. ته عوالم ذهنی و انتزاعی عناصر طبیعت و دنیای عین در بخش عمده ای از تصاویر خیال اشعار کسایی حضوری چشمگیر دارد. با کمی تأمل در شعری متوجه میشویم که او با نگاه عین به ذهن با کاربرد حدود دویست تصویر خیالی بدلی مبدع و موجد شیوه ای از وصف در فارسی است. در صور خیال کسایی، نشانه های فرهنگ زردشتی به خوبی محسوس است. یا بهتر بگوییم در صور خیال او عناصر ایرانی قدیم بیش از عناصر اسلامی و عربی است.

یکی از قصاید مشهور کسایی مروزی سوگنامه شهیدان کربلا» است در مقدمه ی این قصیده به وصف بهار گلها و تغمه خوانی پرندگان به گوتهای زیبا و بدیع پرداخته است. در میان شاعران عهد سامانی کسایی در سرودن نوعی شعر شعر (لحظه ها و نگاهها



استاد بوده است. شعروی یکی از کهن ترین سروده هایی است که تصویرهای تصراتی را در بردارد و این امر شاید با محیط اجتماعی او که جوامعی از ترسایان را در خود داشته است. ارتباط داشته باشد. داسته ی وصف در اشعار بحتری گسترده و خیال در اشعارش زنده و پویا است نگاه دقیق و مادی و آیینه وار او به طبیعت در میان معاصراتش، نوعی ابتکار و توآوری است. در اشعار وی نشانه ای از سادگی و متانت بدویت به چشم میخورد و تصاویری که از طبیعت می آفریند تا حدودی واقعی جلوه میکند.

چنان که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت برخی از تصاویر شعری در میان اشعار کسای به کاررفته است که این تشابهات بیشتر از آن دسته تصاویری است که در میان ادبای عرب در قرن سوم و در میان شاعران در قرن چهارم و سایر شاعران هم دوره وی مرسوم بوده است؛ مانند تشبیه چشم به «نرگس» یا تصویری نظیر «خنده ی برق و تشبیه ممدوح به «خورشید» و. از میان صور گوناگون، خیال تشبیهات مادی و محسوس بیشترین کاربرد را در اشعار رودکی کاپی مروزی و بحتری دارد. استعاره در مقایسه با تشبیه در اشعار کسای، چندان جلوه و کاربرد ندارد و در این اندک مواردی که یافت میشود غالباً طبیعت و جهان عین یا بدیل انسان و اعضا و جوارح وی میگردد که در حوزه ی استعاره مصرحه» است و در اشعار رودکی و بحتری با مانند شدن به اتان و رفتار و کردار وی به نوعی پویایی و زندگی انسانی دست می یابد که وارد در حوزه ی استعاره مکتبه تخیلیه» و «تشخیص» می.شود در اشعار کسای مروزی به آرایه ی تشخیص، کمتر توجه شده است. از دیگر صور خیال در اشعار کسای مجاز، کتابه طباق و. است که در اشعار بحتری مجاز و کتابه پس از تشبیه و استعاره نمود بیشتری دارد. رنگ اشراقی و صیغه ی درباری تصاویر این دوره سبب شده است تا تصاویر تشبیهی کسای مروزی در کنار رنگ فرهنگی و دینی جلوه ی خاصی به خود گیرد و در اغلب تصویرهای مربوط به طبیعت شاعر متأثر از دربار و فضای سیاسی روزگار است؛ یعنی برای هر عنصری از طبیعت برابری جستجو میکند و اشیاء را به سیمین و زرین و یاقوت مانند میکند در تشبیهات بحتری گلبا به تاثیر یاقوت مروارید مانند شده اند که نشان از اشراقی بودن شعر او دارد.

یکی از مهمترین شاخص های اشعار کسای مروزی توجه وی به عنصر رنگ است. کسای مکرراً رنگها را به شکل «مجاز» در اشعارش به کار برده است. وی مفتون رنگهای درخشان بود. از مقایسه ی شعرهای بعدی وی می توان دریافت که کسای در سایر اشعار خود نسبت به رنگها چندان حساس نیست. هر گوینده ای در توصیفات خود ماده

تشبيه را از محیط پیرامون خویش می گیرد. در وصف پرندگان و جانوران توصیفات کسایی نزدیک به طبیعت است.

منابع

- تجربه کار، گ، (۱۳۷۳). کسایی مروری زندگی نامه و اشعار، دانشگاه گیلان
- دزفولیان، ک، (۱۳۸۵). بوی جوی مولیان چاپ سوم، تهران، انتشارات طلایه
- زرین کوب، ع، (۱۳۶۳). یادداشتها و اندیشه ها چاپ ششم تهران، انتشارات سخن
- شریفی گلپایگانی ف. (۱۳۷۶). گزیده ی امثال و حکم و دهخدا، چاپ اول، انتشارات هیرمند.
- شعر دوست ع سلیمانی، ق، (۱۳۷۸). نامه ی آل، سامان ناشر مجمع علمی، تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان
- شمیسا، س، (۱۳۷۷). فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، تهران، انتشارات فردوسی
- صفا، ذ، (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات ایران خلاصه ی جلد اول و دوم چاپ یازدهم، تهران، انتشارت ققنوس
- صفا، ذ، (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان عهد صفوی چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، اسرار البلاغه. ترجمه جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران
- فتوحی رود، معجنی محمود، (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر. چاپ اول، تهران: سخن
- شمیسا سیروس (۱۳۷۱). بیان. تهران فردوس و مجید
- حیدری، محمدرضا (۱۳۹۲)، پژوهشی در سرچشمه های علم بیان در شعر قرن چهارم. مجله بهار، ادب، سال ۶ شماره ۲، صص ۱۸۳-۲۰۳
- صفا ذبیح الله (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات در ایران. چاپ، هم تهران فرد حکایت، شعر،
- مروزی ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵). دیوان کسایی. تالیف نصرالله امامی چاپ سوم، تهران: فرهنگ
- (۱۳۸۵)، تصحیح محمد امین ریاحی چاپ دوازدهم، تهران: علی
- محبوب محمد جعفر، (۱۳۴۵). سبک خراسانی در شعر فارسی. چاپ اول، تهران: فردوس
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲). صور خیال در شعر فارسی. چاپ یازدهم تهران آگاه
- مقدم و اشرف زاده (۱۳۷۶)، معانی و بیان علوی. چاپ اول، تهران: سمت.

Summary in English

Moments and look in the poetry of Kasayi Al-Marouzi

Keywords: Persian. Kasayi Al-Maruzi, his poems

Summary:

The diversity of poetry and its literary analysis is one of the most valuable and important evidences and methods for poetry and poets, and an important guide to their distinction, possibilities, and artistic abilities. Based on this, we found this in the poetry of the moment and the look in the poetry of Kasayi Al-Maruzi, and we addressed it in an inductive artistic analysis of a sample of his poetry. As a result, we found There is a wide and important scope for this in nature, its scenes, and the life that exists in it, as it gives poets scope, vision, feeling, and artistic ability to deal with what they see in their poetry and an important reflection of their abilities and potentials.

We found that these similes and elements related to nature have a wide scope in the sensory and mental view, and the description and mention of the likeness and the likeness to it, and the description that the poet Kasayi Al-Maruzi dealt with by mentioning what is in them, and his description of flowers and plants in his poetry is an important example and a stunning description in it and its distinction in this poetic form, as well as what it deals with of celestial bodies, animals, things, and concepts. Abstract related to that, and this gives us a wonderful sensory and mental view and image that the poet gave us in his poetry, while mentioning his eloquence and artistic ability, and the images of imagination and changes that we found in his poetry, which attract the attention of researchers. As a result, we reached important results for this study.

Search keys: Kasayi al-Marwazi, poetry, description, the arts of rhetoric, similes .

الاحضات والنظرات في شعر كساى المروزى

أ. م. د. مدين عبدالعزى مرشى

كلية اللغات - جامعة بغداد

medean_1969@colang.uobagdad.edu.iq

الكلمات المفتاحية: اللغة الفارسية. كساى المروزى، اشعاره

الملخص:

تنوع الشعر والتحليل الأدبى له، من أهم الدلائل والوسائل القيمة والمهمة للشعر والشعراء، ودليل مهم للتمييز والامكانيات والقدرات الفنية لهم وبناء على هذا فاننا وجدنا ذلك فى شعر اللحظة والنظرة فى شعر كساى المروزى وتناولناها فى تحليل فى استقرائى لعينة من شعرة، ونتيجاً لذلك، فاننا وجدنا فى الطبيعة ومشاهدها والحياة الموجودة فيها مجال واسع ومهم لذلك، حيث انها تعطى للشعراء مجال ورؤيا واحساس وقدرة فنية فى تناول ما يرونه فى شعرهم وانعكاس مهم لقدراتهم وامكانياتهم .

ووجدنا هذه التشبيهات والعناصر المتعلقة بالطبيعة مجال واسع فى النظرة الحسية والعقلية والوصف وذكر المشبة والمشبّه به والوصف الذى تناوله الشاعر كساى المروزى بذكر ما فيها ووصفه للورود والنباتات فى اشعاره نموذج مهم ووصف خلاب فيه وتميزه فى هذا الشكل الشعري وكذلك ماتناولة من الاجرام السماوية، الحيوانات والأشياء والمفاهيم المجردة المتعلقة بذلك، وهذا يعطينا نظرة وصورة حسية وعقلية رائعة اعطانا اياها الشاعر فى شعره مع ذكر بلاغته وقدرته الفنية وصور الخيال والتغيرات التى وجدناها فى شعره والتى تجلب نظر الباحثين. وتوصلنا اثر ذلك الى نتائج مهمة لهذه الدراسة .